

Persische Abstracts

بند و عهد

بررسی یک اصطلاح در «حکایت صیاد» از هزارویک‌شب

علیرضا اسماعیل‌پور^۱

(صص ۱ تا ۲۱)

تاریخ دریافت: ۲۰۱۸/۱۱/۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۱۸/۱۲/۱۴

چکیده

در یکی از داستان‌های نخستین هزارویک‌شب به نام «حکایت صیاد»، تعبیر مبهمی آمده که در آن واژه‌عهد به اقتضای سیر داستان بر معنی جادو دلالت می‌کند. این واژه در زبان عربی معنی پیمان، وصیت‌نامه و غیره دارد، اما هیچ‌گاه در معنی افسون و جادو به کار نرفته است، حال آن‌که واژه فارسی بند، به گواه متون نظم و نثر قدیم، دارای هر دو معنی پیمان و جادوست. بدین ترتیب گمان می‌رود که تعبیر و شاید داستان یادشده در اصل به زبان پهلوی یا فارسی بوده و زمانی به عربی ترجمه شده، اما مترجم واژه‌بند به کاررفته در آن را که دارای هر دو معنی است (مثلاً به جای سحر) به عهد برگردانده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که یا این داستان در زمره حکایات ایرانی هزارویک‌شب است، یا دست‌کم تعبیر بالا یکی از روش‌های بلاغی در نقل داستان‌های جادومحور ایرانی بوده، که زمانی ترجمه نادرست آن به روایات عربی وارد شده و سرانجام در هزارویک‌شب رخ نموده است.

کلیدواژه‌ها

ادبیات تطبیقی، ادبیات فارسی، ادبیات عربی، ترجمه، هزارویک‌شب، مباحث لغوی

^۱ دانشگاه تهران، رایانامه: alireza.esmaeilpour@gmail.com

حجله، سازه‌ای نورانی برای بزرگداشت درگذشتگان شیعه در ایران

یورگن واسیم فرمبگن^۱

(صص ۲۳ تا ۳۰)

تاریخ دریافت: ۲۰۱۸/۱۰/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۱۸/۱۱/۱۴

چکیده

در اینمقاله کوتاه، نویسنده به عنصری از فرهنگ دینی مادی (material religion) در ایران، یعنی حجله پرداخته است. حجله سازه‌یادبودی برای درگذشتگان، به‌ویژه شهدای جوان، و نام آنبرگرفته از «حجله‌عروسی» است. حجله یادآور ماجرای قاسم‌بن‌حسن است، که در آستانه‌ی ازدواج بود اما در واقعه‌ی کربلا به شهادت رسید. برپاکردن حجله به‌مدت سه، هفت، یا حتی چهل روز در مقابل خانه‌ی فرد درگذشته، باروبه‌رویمغازه‌ی او، از یک قرن قبل و حتی پیش از آن در ایران رواج داشته است. حجله را نجارهای خاصی می‌سازند، و ظاهر آن به خیمه، و نیز تاج شباهت دارد. حجله‌ها معمولاً آینه‌کاری می‌شوند و تصویری از فرد درگذشته روی آن‌ها نصب می‌شود. برخی حجله‌ها گرد هستند، و برخی ساختار چهارگوش با شش ستون دارند. اینحجله‌هایمزیّن، نمادی مادی برای بزرگداشت جوانان درگذشته است.

کلیدواژه‌ها

فرهنگ دینی مادی، شیعه، بزرگداشت مردگان، نور

^۱ دانشگاه لودویگ-ماکسیمیلیان مونیخ، رایانامه: gsfbrembgen@t-online.de

تقابل ایده جهان‌وطنی «ادبیات جهانی» گوته با تفکرات ملی‌گرایانه

محمدحسین حدادی^۱

حسن پروان^۲

(صص ۳۱ تا ۴۴)

تاریخ دریافت: ۲۰۱۸/۵/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۱۸/۱۰/۲۲

چکیده

ایده «ادبیات جهانی» یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی فکری و ادبی گوته بوده است، و شکل‌گیری و تکوین آن نشان از عمق ارادت گوته به ادبیات بیگانه‌ها و ادعان او به ظرفیت‌های موجود در ادبیات دیگر کشورها دارد. این ایده، افزون بر چشم‌انداز فرهنگی و ادبی، ابعاد سیاسی و اجتماعی دارد، و جهان‌وطنی بودن آن، سبب شده است که در تقابل با بینش‌های افراطی ملی‌گرایانه باشد. امروزه با اوج‌گیری دیدگاه‌ها و جنبش‌های ناسیونالیستی در بسیاری از کشورهای دنیا، ایده ادبیات جهانی دوباره اهمیت یافته است. در پژوهش حاضر، دیدگاه گوته با باورهای ملی‌گرایانه مقایسه شده است. نتیجه آنکه گوتهبر «گشودن دروازه‌های ادبیات ملی به‌روی ادبیات دیگر ملت‌های دنیا، لزوم تأثیرپذیری متقابل فرهنگ و ادب ملل از یکدیگر، و دعوت از متفکران و ادبای جهان به شرکت در تبادلات فکری و فرهنگی» تأکید کرده، و بدین ترتیب ماهیتی فراجغرافیایی، فراملی، فراقومی و فرانسیونالیستی به ایده خود داده است.

کلیدواژه‌ها

ادبیات جهانی، ادبیات ملی، گفتگوی فرهنگی، جهان‌وطنی، ملی‌گرایی

^۱ دانشگاه تهران، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، رایانامه: haddadi@ut.ac.ir

^۲ دانشگاه تهران، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی

بازشناسی شخصیت تاریخی حاج بکتاش ولی بر اساس منابع تاریخی و عرفانی

فهیمة مخبر دزفولی^۱

(صص ۴۵ تا ۵۸)

تاریخ دریافت: ۲۰۱۸/۶/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۱۸/۸/۷

چکیده

حاج بکتاش ولی خراسانی از شیوخ صوفی بود که پس از حمله مغول به ایران، موطن خویش، خراسان را ترک گفت و بعد از چندی سیر و سفر، در آناتولی مستقر شد. منابع هم‌عصرش او را شیخی عارف و روشن‌روان و از واصلان خراسان دانسته‌اند. حاج بکتاش ولی با وجود آشنایی با رهبران جنبش سیاسی-اجتماعی بابائیان علیه سلاجقه روم، و کشته شدن برادرش در این جنبش، خود را از بابائیان دور نگه‌داشت و به تربیت درویش پیرو خود، که در این دوره ابدال نامیده می‌شدند، پرداخت. با قدرت گرفتن عثمانی‌ها مکتب بکتاشیه سامان گرفت و از طریقینی چری‌ها، در سراسر قلمرو عثمانی رواج یافت. ماهیت ضد سلجوقی قیام بابائیان سبب کم‌توجهی مورخان این دوره به یافتن علل و انگیزه‌های این قیامها پرداختن به شخصیت رهبران آن شده است. از سوی دیگر، به دلیل تأسیس و رواج مکتب بکتاشیه پس از مرگ حاج بکتاش، او در کانون توجه و علاقه بکتاشیان قرار گرفت، و کرامات و معجزات غریبی به او نسبت داده شد، و به همین سبب به سختی می‌توان چهره واقعی او را باز شناخت. این مقاله با بررسی منابع تاریخی دوره شکل‌گیری بکتاشیه و منابع عرفانی مربوط به شیوخ صوفی هم‌دوره حاج بکتاش ولی در آناتولی، و مقایسه آنها با منابع عرفانی علوی-بکتاشی به بازشناسی شخصیت تاریخی وی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

حاج بکتاش ولی، واصلان خراسان، آناتولی، بکتاشیه

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، رایانامه: fmokhber_d@yahoo.com

تبیین اخلاق نبوی در روزگار مدینه بر مبنای رویکرد وجودی

احمدعلی حیدری^۱

(صص ۵۹ تا ۷۴)

تاریخ دریافت: ۲۰۱۸/۱۱/۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۱۸/۱۲/۷

چکیده

این مقاله در پی آن است که بر مبنای مؤلفه‌های فلسفه اخلاق وجودی، عملکرد اخلاقی پیامبر اسلام را در سال‌های مدینه تحلیل کند. در این فلسفه اخلاق، پیش‌زمینه‌های وجودی پدیدارهای اخلاقی و ارزیابی عملکرد انسانی از منظر اگزیستنسیال مد نظر است. با این رویکرد، رفتار عملی پیامبر اسلام با توجه به تعلق وجودی او تفسیر می‌شود و بر مبنای آن می‌توان بسیاری از خطاهای تاریخی ناظر به جهت‌گیری‌های غیرووجودی را تصحیح کرد، که از میان آن خطاها می‌توان به نحوه سلوک پیامبر با اقلیت‌های دینی اشاره کرد. مفاهیمی مانند «زیست‌جهان» و «تجربه زیسته» پیامبر اسلام، در این مقاله جایگاه برجسته‌ای دارد. این مفاهیم بیان‌گر جهانی است که به بداهت‌های پیش‌اقلیمی و تجربه‌های زیسته‌گرده خورده است، و از این‌منظر در مقابل نگاه مبتنی بر موضوعیت نفس‌انویه جهان قرار می‌گیرد که در آن صرفاً ملاحظات «نظری» و «علمی» تعیین‌بخش‌اند. در این رویکرد، حیات فرهنگی پیامبر مد نظر است و مجال برای تحلیل اعمال اخلاقی او، در شرایطی که مستندات تاریخی مردد و مبهم‌اند، فراهم می‌شود. در این رویکرد وجودی، سلوک پیامبر اسلام، تاریخی را بنیاد می‌گذارد که بعدها در تفکر حضرت علی (ع) و اهل‌بیت، در قالب صبغه عرفانی اندیشه شیعه شناخته می‌شود، و به قول علامه طباطبائی «مصدر عرفان» است.

کلیدواژه‌ها

اخلاق وجودی، فلاطوری، زندگی فرهنگی، مدینه، اقلیت‌ها

^۱ دانشگاه علامه طباطبائی، رایانامه: aah1342@yahoo.de

آیا شکل‌گیری ساختار نوینی از فقه شیعی، بدون تکیه بر خبر واحد، امکان‌پذیر است؟

سید حسین القزوینی^۱

(صص ۷۵ تا ۸۵)

تاریخ دریافت: ۲۰۱۸/۱۱/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۱۸/۱۲/۱۹

چکیده

امامان شیعه در مدینه علم و معرفت خود را از طریق پیروانشان ترویج می‌کردند. پیروان امامان، که به شیعه معروف بودند، گفته‌ها و آموزه‌های آنان را ثبت و ضبط می‌کردند و یا به خاطر می‌سپردند. این گفتارهای ثبت‌شده بعدها عنوان اخبار به خود گرفت، و به دسته‌ای از آن‌ها که سلسله راویان متعدد نداشت، اخبار آحاد (جمع خبر واحد) گفته شد. مشروعیت و حجیت خبر واحد از همان دوره شکل‌گیری فقه شیعی مورد بحث و مناقشه بوده است. ابن ابی‌عقیل، ابن قبه، شیخ مفید، سید مرتضی، ابن زهره، ابن برّاج، طبرسی، ابن ادریس، و ابن شهر آشوب از فقها و اصولیان شیعی متقدمی بودند که حجیت خبر واحد را انکار می‌کردند. چند تن از علمای شیعه معاصر نیز اعلام کرده‌اند که حجیت خبر واحد را نمی‌پذیرند، و از فقیهان می‌خواهند که ساختاری جدید از فقه شیعی ایجاد کنند که عاری از خبر واحد باشد. اما پرسش اینجاست که این انگاره تا چه حد امکان تحقق دارد؟ فقیهان معاصر می‌گویند خبر واحد می‌تواند جای خود را به دیگر ابزارهای فقهی همچون قواعد کلی قرآن، خبرهای متواتر، عقل، و اجماع بدهد. اما آیا این رویکرد منجر به شکل‌گیری ساختاری کاملاً جدید از فقه نمی‌شود؟ این مقاله بخشی از جریان پژوهش درباره نقش خبر واحد در فقه شیعی است.

کلیدواژه‌ها

خبر واحد، تواتر، فقه شیعه، سید مرتضی

^۱ عتبة حسینی کربلا، رایانامه: hqazwini@yahoo.com مترجم چکیده: ناصر گذشته، دانشگاه تهران.